

اتاقی برای خودش

چیدمان «اتاقی برای خودش»، بزرگداشتی است برای مرگ غیر قابل وصف بدن‌های کوئیر و ترنس [۱] که در سکوت کامل از حافظه جمعی فرهنگ کوئیر محو می‌شوند. نخستین باری که پرونده مهتاب را خواندم [۲] بی‌درنگ به یاد «اتاقی برای خود» نوشته ویرجینیا وولف افتادم. [۳] در سرگذشت مهتاب به نظرمی‌رسد آرامش چنان آشفته گشته که گویی مرگ به آرامش تبدیل شده است. مرگ همچون تنها اتاق باقیمانده برای خود.

آرشیو:

در سال ۲۰۱۶ هنگامی که در حال کندو کاو در بایگانی‌های مرکز اسناد حقوق بشر ایران بودم و پرونده‌ها و شهادتنامه‌های پناهجویان کوئیر و ترنس و همچنین آمار خودکشی در بین این گروه‌ها را دنبال می‌کردم تصادفاً به پرونده مهتاب (سایه) برخوردیم که مستقیماً مرا به سوی تحقیق سیما شاخساری کشاند و همچنین مقاله مهم: «مرا به آرامی با حقوقت بکش». [۴] داستان مهتاب، مرگ غیر قابل وصفی را نشان می‌دهد که شاخساری در متن خود به ژرفی تحلیل کرده و متأسفانه این تنها پرونده موجود در این زمینه نیست. [۵] نمونه‌های مشابه دیگری نیز وجود دارد که چگونگی تأثیر «سیاست مرگ» [۶] بر بدن‌های (کوئیر و ترنس) آواره



شده را نشان می‌دهد.

جنسیت و امرجنسی تاریخ منحصربه‌فرد و در عین حال متناقضی را در ایران سپری کرده است. “طی چندین دهه گذشته، در بافتار انگلیسی-آمریکایی، تفاوت برخی مفاهیم همچون جنسیت (فرجنسیت) [۷]، سکس (جنسیت) [۸] و امرجنسی و همچنین تفاوت تراجنسیت و ترانسکشوال (بر اساس جراحی و تغییر بر روی بدن) به واسطه سیاست هویت جنسیت” و “سکس” و همچنین تلاش کنشگران کوئیر و نظریه‌های انتقادی کوئیر شکل گرفته و مشخص شده‌اند. در ایران تراجنسیت چنین روندی از شکلگیری را طی نکرده است.” [۹]

روایت‌های معاصر اذعان می‌کنند که ترنس‌ها در ایران به طور قانونی تحت عنوان «نمونه‌های اصلاح‌پذیر» پذیرفته می‌شوند و ملزم اند که روند طولانی را پشت سر بگذارند که گاهی شامل مصاحبه‌ها و آزمایش‌هایی نامعقولی است، که روند تشخیصی محسوب می‌شود. روندی که در آن ترانس‌ها از همجنسگرایان مشخص می‌شوند.

گاهی این مصاحبه‌ها شامل سوالاتی کاملاً بی‌معنی است که تنها کلیشه‌های جنسیتی را باز می‌تاباند برای مثال: «از کدام قسمت خمیر دندان را فشار میدهی؟ از پایین یا از وسط؟» [۱۰] بعضی از این سؤال‌های بی‌هدف، هویت جنسی و همچنین سرنوشت بدن مصاحبه‌شوندگان را تعیین می‌کنند. برخی از این سؤال‌های بی‌معنی تعیین می‌کند کدام هورمون به کدام بدن تعلق دارد و کدام بدن‌ها غیر قانونی و پست‌ترند.

آنچه که در کشوری همچون ایران (با چنین قوانین متناقضی) غیر منتظره و یا خوشحال‌کننده به نظر می‌رسد این است که فرد ترنس پس از طی این روند به طور قانونی حق دارد که پروسه تغییر جنسیت اعم از هورمون‌تراپی و یا جراحی را طی کرده و یا حتی درخواست شناسنامه و یا پاسپورت جدید دهد. با این حال آنچه که مسلم است: روند تغییر جنسیت برای ترنس‌ها در ایران یک روند الزاماً خودخواسته نیست بلکه قانونی اجتناب‌ناپذیر در خدمت «پروسه یکسان‌سازی/هنجار سازی» محسوب می‌شود: قانونی اجباری برای بدن‌های ترانجسیتی تا به بدن‌های اصلاح‌شده تبدیل شوند. این مشکل تنها مرتبط با قوانین حقوقی در ایران نیست بلکه احتمالاً ریشه در فرهنگ معاصر ایران و فقدان آموزش کافی درباره جنسیت و امر جنسی دارد. بنابراین آنچه که در ایران تحت عنوان آرشیوی از ترانس‌کشوال‌ها در اختیار داریم محدود می‌شود به بدن‌هایی که این روند را برگزیده و تصمیم به طی کردن آن گرفته‌اند. آنچه هیچگاه مکتوب نشده و یا حتی پاک شده است مربوط می‌شود به تاریخ بدن‌هایی که این روند را نپذیرفته و یا حتی هیچگاه به عنوان فرد ترانجسگرا از پست‌بیرون نیامده‌اند.



اگر این بایوپالیتیک (زیست-سیاست) [۱۱] است چگونه باید از آن گرفته برداری کنیم؟ شرایطی که ترانس‌ها را مجبور به انتخاب بین روند تغییر جنسیت و یا ترک کشور و دست پنجه نرم کردن با بایوپالیتیک جدید، سیاست مرگ و سیاست گذاری‌های مرزی میکند؟ شرایطی که طراحی شده برای افسرده‌کردن‌ها هنگامی که در میان «سیاست مرگ» بین مرزهای جغرافیایی معلقان می‌کند. شرایطی افسرده‌کننده که نسخه طعنه‌آمیز تجویز شده برای آن، توسط شرکت‌های دارویی، ماده ایست تحت عنوان داروی ضد افسردگی که اثر جانبی آن اندیشیدن به خودکشی است. [۱۲]

نافرمانی بدنی به عنوان یک رشته از تلاش های دیداری و پرفورماتیو، نوعی از مقاومت مولکولی را پیشنهاد میدهد: مقاومت در برابر هر نوع اجبار دارویی-شیمیایی تحت عنوان نافرمانی مولکولی. نه تنها استفاده از هورمون در شرایط غیر ضروری، بلکه مقاومت در برابر مواد شیمیایی دیگری همچون داروهای ضد افسردگی که بر اساس دستور العمل نوشته شده روی جعبه هایشان: “افکار مربوط به خودکشی بخشی از اثرات جانبی این دارو می باشد”

(نوشته کامران بهروز، مربوط به نمایشگاه «نافرمانی بدنی»، زوریخ، زمستان ۱۳۷۹)

Tuesday.

Dearest.

I feel certain that I am going mad again. I feel we can't go through another of those terrible times. And I want to lose the time. I begin to hear voices, & can't concentrate. So I am doing what seems the best thing to do. You have given me the greatest possible happiness. You have been in my way all that anyone could be. I don't think two people could have been happier till this terrible disease came. I can't fight it any longer. I know that I am marring your life that we both know I could avoid. And you will I know. You see I can't even write this properly. I can't read. What I want to say is that I owe all the happiness of my life to you. You have been entirely patient with me & more than that. I want to say that every body knows it. If any body loved

“تا زمانی که درباره آنچه که خود می خواهی مینویسی، خود این از هر چیز پراهمیت تر است، هیچکس نمیتواند بگوید که آیا نوشته ات تنها برای ساعتی پر اهمیت خواهد بود و یا برای نسل های متمادی”

—از کتاب «اتاقی برای خود» نوشته ویرجینیا وولف، فصل ششم

تصویر سمت چپ: نامه خودکشی ویرجینیا وولف

پانویس ها:

[۱] متأسفانه تا به امروز واژه مناسبی برای «کوئیر» در فارسی ابداع نشده است. واژه کوئیر در زبان انگلیسی به معنی عجیب و غریب است و همچنین در برخی موارد برای خطاب کردن مردان همجنسگرا مورد استفاده قرار می گرفته. «نظریه های انتقادی کوئیر» طی دهه های پیشین از این کلمه تحت عنوان هویت فردی و یا جنسی بدنهایی یاد میکنند که از چهارچوب هنجارهای جنسی و اجتماعی فراتر میروند. از سوی دیگر واژه ترنس یا ترانسگرا اغلب برای کسانی مورد استفاده قرار میگیرد که هویت شخصیشان با جنسیتی که با آن زاده شده اند متفاوت است.

[۲] “مهتاب برای چندین سال در ترکیه انتظار کشید تا به عنوان پناهجوی رسمی توسط کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان و سفارت کانادا پذیرفته شود. در سال ۲۰۰۸ کمی پس از ورود به کانادا، مهتاب بی سرو صدا در خانه اش به زندگی خود خاتمه داد. خانه ای که از او خواسته شده بود تا تخلیه کند، چرا که مهلت پرداخت آن به سر آمده بود.”

— سیما شاحساری، ترجمه شده از فصل: «مرا به آرامی با حقوق بُکش»، از کتاب «سیاست مرگ کوئیر»، گردآورنده: جین هریتاورن، ۲۰۱۴

[۳] ویرجینیا وولف، اتاقی برای خود، ۱۹۲۹

[۴] مجموعه مطالعات ترانسخیستی- جلد دوم، گردآورندگان: سوزان استرایکر، استفان ویئل، ۲۰۰۶-۲۰۱۳

[۵] برای شنیدن سرگذشت مرجان اهورایی از زبان سایه در مرکز اسناد حقوق بشر ایران به لینک زیر مراجعه کنید:
<https://iranhrdc.org/in-memory-of-marjan-ahourae-an-iranian-transsexual-refugee/>

[۶] نکر وپالیتیک یا سیاست مرگ مربوط میشود به نحوه به کار گیری قدرت سیاسی، حکومتی و اجتماعی که مشخص میکند کدام بدن‌ها حق زندگی و کدامیک محکوم به مرگ اند.

[۷] “واژه «فرجنس» به جای جنسیت به مثابه ی برابری برای «چندر» چه بسا دقیق‌تر باشد. چون اگر جنسیت را طبیعت بدانیم فرجنس برساخته ای ست اجتماعی که همواره در حال دگرگونی ست؛ پیشوند «فر» در فارسی میانه (پهلوی) تداوم، تکامل و حرکت را بازمی تاباند همان گونه که در واژه های فرهنگ و فرزند می بینیم.”
—پانویس شماره ۵۰ از مقاله عبده: «فصلی در جهنم» به نوشته سام مهتشم و علیرضا صحاف زاده، کارنما: فصل نامه هنرهای دیداری، بهار ۱۳۷۹

[۸] <http://www.kamranbehrouz.com/sample-page/installations/becoming-forest-2018/>

[۹] ترجمه شده از کتاب: «اقرار نامه خویشتن: ترانسکشوالیتی و همجنسگرایی در ایران معاصر» نوشته افسانه نجم آبادی، ۲۰۱۴، صفحه ۸

[۱۰] ترجمه شده از کتاب: «اقرار نامه خویشتن: ترانسکشوالیتی و همجنسگرایی در ایران معاصر» نوشته افسانه نجم آبادی، ۲۰۱۴، صفحه ۳۰

[۱۱] زیست-سیاست:

“زیست قدرت اصطلاحی بود که به وسیله ی فیلسوف فرانسوی، میشل فوکو، برای اشاره به عمل دولت های مدرن و قاعده مندی سوژه هایشان به وسیله انفجار تعداد بی شمار و مختلف روش ها برای دست یابی به مقهور سازی بدن ها و کنترل جمعیت هایشان ابداع شد. فوکو این اصطلاح را برای اولین بار هنگامی که در کالج «کلوزد فرانس» بود استفاده کرد. اما این اصطلاح اولین بار در کتاب “اراده به دانستن” و یا در جلد اول کتاب “تاریخ جنسیت” ظاهر شد. در هر دو کتاب فوکو و تئوری های بعدی اش برای اشاره به اعمال سلامت عمومی، قاعده ی وراثت و قاعده ی خطر استفاده شده است که در میان خیلی چیزهای دیگر اغلب به طور غیر مستقیم با لفظ سلامت فیزیکی ارتباط می یابد. این به طور نزدیکی وابسته است به یک اصطلاح که او به صورت کمتر استفاده می کند، اما اندیشمندان بعدی به طور مستقل از “زیست سیاست” (BioPolitic) استفاده کردند”

منبع ترجمه: سایت فراتاب- گروه اندیشه.

برای مطالعه مقاله «مفهوم زیست قدرت از دریچه فوکو» به لینک زیر در سایت فراتاب مراجعه کنید:

<http://www.faratab.com/news/6942/> در-یچه-نگاه-فوکو

[۱۲] برای مطالعه بیشتر در این باره به گزارش های مربوط به سازمان بهداشت جهانی و همچنین مرکز ملی اطلاعات بایوتکنولوژی در لینک زیر مراجعه کنید:

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC427603/#!po=3.57143>